

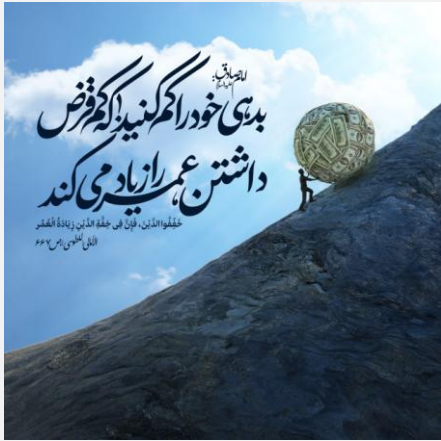


سال سوم شماره ۱۸۷ چهارشنبه ۷ آذر ۱۳۹۷

[www.hadinevs.ir](http://www.hadinevs.ir)

کانال معیار در سروش

@meyar.pb



## بقا در قدرت به هر قیمت

**جوان/** ماجرای حکم شهردار جدید تهران اگرچه بار دیگر ناکارآمدی اصلاح طلبان در اداره کلان شهر تهران را نشان داد و اداره شهر را وارد دور جدیدی از چالش و بلا تکلیفی درون ساختاری کرد، اما این انتخاب و فرآیند آن بیانگر آن است که مردم تهران همچنان باید تاوان یک انتخاب نادرست را بپردازند که البته در گذشته بارها آن را تجربه کرده و البته درس نگرفته اند. روز گذشته و در شرایطی که مهلت قانونی وزارت کشور برای صدور حکم شهردار جدید تهران به سر رسید، یکی از اعضای شورای شهر اعلام کرد که قانوناً امروز باید حکم شهردار منتخب صادر می شد، اما وزیر کشور دیروز پاسخ ما را داد و اعلام کرد به علت آنکه نامه وزارت اطلاعات برای صدور حکم کفایت نمی کند، حکمی صادر نشده است. ناکارآمدی جریان اصلاحات در اداره کلان شهر تهران آنچنان ملال آور شده است که به جای رقبا سیاسی فعالان همین جریان نتوانسته اند نسبت به آن سکوت کنند. این وضعیت را حکیمی پور عضو اصلاح طلب شورای شهر اول و چهارم تهران در یکی رسانه های وابسته به درستی تشریح کرده و با اشاره به اینکه «اصلاح طلبان استاد قدرشناسی و هدر دادن فرصت هایی هستند که مردم در اختیار آن ها قرار داده اند» می نویسد: «جریان اصلاحات دچار مناسبات پشت پرده و محفلی شده و این مسئله در آینده خطرناک خواهد بود». روزنامه آرمان در ادامه با اشاره به اینکه لیست اصلاح طلبان برای شورای شهر به صورت محفلی طراحی شده بود، نوشت: «شورای شهر تحت تأثیر فضایی است که رسانه ها پیرامون مدیریت شهر تهران ساخته اند.»

## جیمز کارلوس و ماکسیما دولت و پراید!

**کیهان/** چند روز پیش کارلوس گون، غول خودروسازی دنیا در توکیو دستگیر شد. وی اصالت لبنانی و تابعیت فرانسوی دارد و در برزیل متولد شده است. وی همزمان مدیر شرکت های نیسان، رنو و میتسوبیشی است. گون هنگامی نیسان را تحویل گرفت که این شرکت ۲۰ میلیارد دلار بدهی داشت و قریب به اتفاق محصولات آن زیان ده بودند. روند سوددهی شرکت از همان سال اول مدیریت وی آغاز و چهار سال بعد همه بدهی آن تسویه شده بود. از هر دو خودروی تولیدی در دنیا، یک خودرو در شرکت های تحت مدیریت وی تولید می شود. کارلوس گون که به «قاتل هزینه ها» مشهور است، با نجات نیسان و رنو از ورشکستگی و بحران، به قهرمان ملی ژاپن تبدیل شد. نکته مهم علت دستگیری این مدیر موفق و بین المللی صنعت خودروسازی است. از سال ۲۰۱۰ مدیران شرکت های ژاپنی که سالانه بیش از ۱۰۰ میلیون یورو درآمد دارند، موظف به اعلام درآمد خود شدند. تحقیقات درباره پرونده وی در جریان است و احتمال دارد وی مجبور باشد به خاطر پنهان کردن میزان واقعی درآمدش سالها آب خنک بخورد. یکی از دلایل فاصله فراوان خودروهای ایرانی با ژاپنی در همین نوع برخورد نهفته است. برای ژاپنی ها، قانون زینت المجالس نیست که تخلف از آن قابل اغماض و چشم پوشی باشد. حتی اگر آن فرد متخلف، قهرمان صنعتی ژاپن و نجات دهنده شرکت های بزرگ باشد. قانون اخذ مالیات از خانه های خالی سه سال است که خاک می خورد و دستگاه های مختلف اجرای آن را به همدیگر پاس می دهند. مورد مثال زدنی دیگر از خاک خوردن قانون، قطع یارانه ثروتمندان است که به دلایل واهی و عمدتاً سیاسی و انتخاباتی عملیاتی نمی شود. دولت به جای عمل به قانون و وظیفه خود وارد بازی با افکار عمومی شده و مدعی می شود به حساب مردم سرک نمی کشد!

همین دولت که افتخارش سرک نکشیدن به حساب مردم است، چند سال مدعی می شود پولشویی گسترده ای در کشور انجام می شود و برای مقابله با آن باید دستورات تحمیلی - بخوانید خود تحریمی - FATF را اجرا کرد! مگر کارمند یک لاقبا و کارگر مستضعف چه دارد که از سرک کشیدن به حسابش نگران باشد؟!

## نظریه مقاومت جواب داده است

در چند سال اخیر هر وقت «ولادیمیر پوتین» به عنوان رهبر یکی از کشورهای قدرتمند جهان، پا به تهران گذاشته حتماً سری هم به انتهای خیابان «فلسطین جنوبی» زده. او بهتر از هر سیاستمدار دیگری در دنیا این را فهمیده که برای بازی در قواعد جوامع غرب آسیا باید شریک‌های مطمئن و البته قدرتمندی داشته باشد و ایران یکی از همین قدرت‌های روبه‌رشد است. آبان‌ماه سال گذشته وقتی اجلاس تهران راجع به مسائل سوریه برگزار شد، یک سیاستمدار دیگر هم به اردوگاه تهران-مسکو پیوسته بود. شاید مقایسه این اجلاس با اجلاسی که ۷۵ سال قبل در همین تهران برگزار شد، خالی از لطف نباشد؛ زمانی که سران سه کشور انگلیس، آمریکا و شوروی بدون عنایت به مسوولان ایرانی راهی تهران شدند و سهم طرف ایرانی در بازی قدرت، صرفاً اطلاع از سفر این مقامات به ایران و نه حتی اجازه گرفتن برای حضور در کنفرانس تهران بود. دو نفر از این مقامات حتی بی‌احترامی و تحقیر را به جایی رساندند که حداقل برای حفظ شوون دیپلماتیک به دیدار میزبان‌شان بروند و این شاه مخلوع بود که سراسیمه به دیدار «چرچیل» و «روزولت» رفت و عاجزانه از آن‌ها درخواست جابه‌جایی تبعیدگاه پدرش را کرد. حال این وضعیت را با وضعیت این روزهای ایران مقایسه کنیم که یکی از طرف حساب‌های اتفاقات مهم منطقه است؛ از سوریه گرفته تا عراق و یمن. دیگر نمی‌شود نقش ایران را در منطقه نادیده گرفت. ایران در ابتدای مسیر قدرتمندتر شدن است و این را می‌شود از سطح نزاعی که آمریکا و اروپا با ما دارند، فهمید؛ نزاعی که در سال‌های جنگ در سطح واردات سیم خاردار به ایران بود و حالا به نقش‌آفرینی در کشورهای منطقه رسیده است.

### این مرد هر چه می‌گوید عمل می‌کند

**رای الیوم /** سید حسن نصرالله همانگونه که از نزدیکان او شنیده‌ایم کسی است که از شهادت نمی‌ترسد بلکه آرزوی آن را دارد و معتقد است زمان آن دیر شده و زیاد زندگی کرده است. او همزمان ایمان دارد که همه اقدامات امنیتی هر چه که باشد نمی‌تواند جلوی قضا و قدر را بگیرد اما معتقد است مراقبت و احتیاط واجب است. عطاوان افزود: غسان بن جدو، دوست و همکار من که بارها مصاحبه‌های تلویزیونی با سید حسن نصرالله برگزار کرده است تاکید کرد که در سال ۲۰۰۶ در زمان حمله اسرائیل، با او بر روی پشت بام یکی از ساختمان‌ها دیدار کرده است همانگونه که من با او در بالکن یکی از آپارتمان‌های ضاحیه در جنوب لبنان و نه در زیر زمین آن گونه که برخی می‌گویند دیدار کرده‌ام که اگر این چنین نیز بود اشکالی نداشت. آیا بیشتر سران عرب می‌توانند به این آزادی و به صورت علنی تردد کنند؟ دشمن از سید حسن نصرالله می‌ترسد. حزب الله به کشوری با موسسات قوی و ریشه‌دار تبدیل شده است که ارتشی دارد که شاید قویترین در خاورمیانه باشد و توانسته است عامل بازدارنده در برابر اسرائیلی‌ها و ارتش و جنگ افزارهای آنها شود که ارزش آنها به صدها میلیارد دلار می‌رسد. برتری برای سید حسن نصرالله و گروه مشاوران او است که در سایه زندگی می‌کنند به دور از نور. آنها زندگی بسیار ساده‌ای دارند مانند رهبرشان که در طول عمر خود آرزو داشته است آرزوها و خواسته‌های امت عربی و اسلامی را در پایان دادن به سلطه طلبی اسرائیل و همه مزدوران عرب قدیمی و جدید آن محقق کند.

## گزارش روز / بازگشت به درون

**پایگاه بصیرت /** سید فخرالدین موسوی: «هنوز نتایج ملموسی را مشاهده نکرده‌ایم»؛ این جمله را علی‌اکبر صالحی، رئیس سازمان انرژی اتمی کشورمان و عضو تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای برای آغاز اظهارهای جدی‌اش به طرف اروپایی در مصاحبه با خبرگزاری «رویترز» انتخاب کرده است. اظهارهایی که با جمله «در صورتی که نتوانیم نفت‌مان را بفروشیم و از مبادلات مالی بهره‌مند شویم، در آن صورت گمان نمی‌کنم که پایبندی به توافق (برجام) دیگر برای ما سودمند باشد.» آغاز می‌شود و با عبارت «فکر می‌کنم زمان صوری برای مردم ما در حال محدود و محدودتر شدن است... زمان‌بندی مورد نظر (توسط اروپا) که در حد چند ماه بود، رو به اتمام است.» ادامه می‌یابد! این اظهارات را اگر در کنار توثیقات وزیر امور خارجه و همچنین اظهارات عباس عراقچی، معاون او بگذاریم که گفته بود بهره‌گیری از برجام در شرایط کنونی تقریباً صفر است! آن وقت می‌توان به این جمع‌بندی رسید که نه تنها در عمل، بلکه در کلام، در نشست‌های دوجانبه، پشت درهای بسته و مکاتبات محرمانه و... هم چندان شرایط مطابق با آنچه اروپایی‌ها وعده داده بودند پیش نمی‌رود! و چشم‌انداز تحقق وعده‌های قاره سبز برای زنده نگه داشتن برجام آنقدر ناامیدکننده است که اصلی‌ترین حامیان برجام و مسئولانی که راهبرد گرایش به سمت اروپا به جای آمریکا را طراحی کرده بودند نیز هم اکنون امید چندانی برای رسیدن به نتیجه ندارند! موضوعی که پس از هشدارها درباره قابل اعتماد نبودن آمریکا و بی‌نتیجه بودن مذاکره با سران کاخ سفید برای بار دوم رویکرد دل بستن به خارج از مرزها را با شکست مواجه کرد! اما تعجب‌برانگیزتر از این عده که در گذشته هشدارها را نمی‌پذیرفتند، این است که همچنان مسئولان و تصمیم‌گیرانی هستند که با علم به بی‌فایده بودن چشم دوختن به دست خارجی‌ها برای حل مشکلات، در بازگشت به درون و اتکا به قدرت درون کشور برای عبور از مشکلات تعلل می‌کنند و سیاست‌های درون‌گرا، مانند اقتصاد مقاومتی را معطل نگه داشته‌اند!

## آموزش تحلیل سیاسی / خبر خوب

خوب یا بد، دنیای امروز، دنیای رسانه‌هاست و رسانه‌ها نیز "ارزش‌های خبری" را صرفاً در موضوعاتی چون جنجال و درگیری و شهرت و امثالهم می‌بینند و ضریب می‌دهند. واضح است که در چنین فضایی، این خبرهای بد و حادثه‌های ناگوارند که معمولاً پوشش داده و برجسته می‌شوند و کمتر، خبری از "خبر خوب" و نشاط‌آور و امیدبخش به گوش می‌رسد. یعنی دقیقاً نقطه‌ی مقابل دیدگاه اسلامی، که شادی و نشاط و امید را از خصوصیات یک جامعه‌ی زنده و پویا می‌داند.

## همتی که جواب داده است

**خراسان /** روز گذشته قیمت دلار در بازار آزاد در ادامه روند نزولی به کانال ۱۱ هزار تومان برگشت. مروری بر اتفاقات دو سه ماه اخیر بازار ارز در مقایسه با اتفاقات نیمه نخست سال در این بازار به وضوح تفاوت در نحوه مدیریت بازار ارز و بازگشت مجدد اقتدار بانک مرکزی در این بازار را نشان می‌دهد. اگر وضعیت بازار ارز در نیمه نخست سال ۹۶ را مرور کنیم، علاوه بر جهش شدید نرخ ارز، بازار با بی‌اعتمادی به دولت و بانک مرکزی مواجه بود. بانک مرکزی بر خلاف تحلیل کارشناسی خود، زیر بار پذیرش اشتباه بزرگ ارز ۴۲۰۰ تومان رفت و پس از آن نیز نتوانست، بازار را با توجه به اقتضائات این نرخ‌گذاری مدیریت کند و تا مدت زمانی طولانی به اشتباهات بزرگ خود از جمله اعطای ارز ۴۲۰۰ تومان برای سفرهای خارجی ادامه داد. به این ترتیب، اعتماد لازم به بانک مرکزی، چه از سوی نخبگانی که بانک مرکزی را تسلیم در برابر دیکته ارز غلط می‌دیدند و چه از سوی عموم مردم که این نهاد را ناتوان در برابر مدیریت بازار ارز می‌پنداشتند، سلب شده بود. این اتفاق برای بانک مرکزی که در مقایسه با بسیاری از دستگاه‌ها سرمایه اصلی‌اش، اعتماد مردم است، هولناک بود و هیچ‌گیزی از تغییر اساسی در بانک مرکزی نبود. هرچند فرایند این تغییر به طول انجامید، اما سرانجام سیف جای خود را به همتی داد.